

سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب؛ اهمیت و مشخصات

○ پرویز عادل

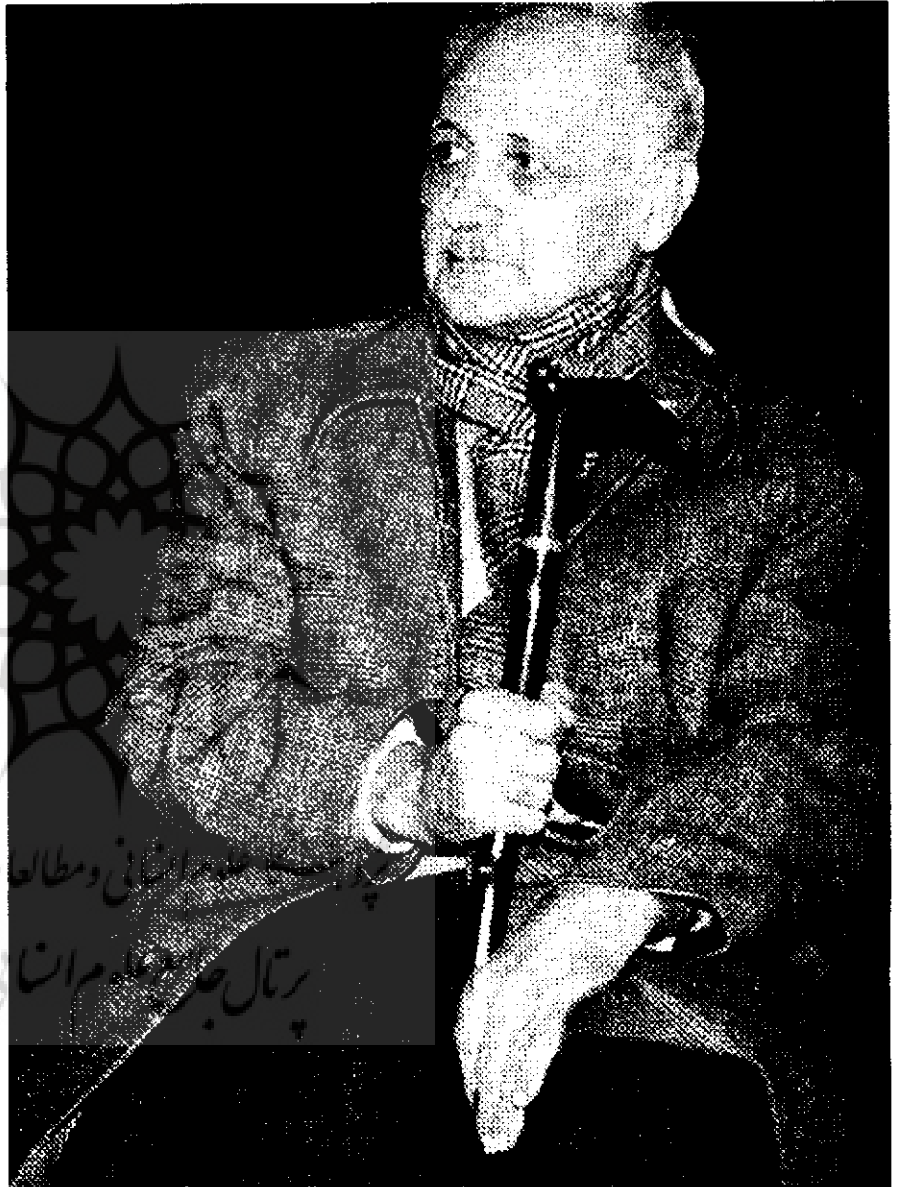
«تاریخ‌نگاری» هر «مورخ» بستگی به «تاریخ‌نگاری» او دارد یعنی در تاریخ‌نگاری هر مورخی، افکار و ایده‌های او را که حاصل تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری اوست می‌توان مشاهده کرد. مقوله‌ای که موضوع مقاله حاضر است.

نقش و اهمیت دکتر زرین کوب در تاریخ‌نگاری معاصر ایران

قبل از وارد شدن به بحث اصلی خاطر نشان می‌گردد که این نوشتار صرفاً مروری است بر دیدگاه‌های تاریخی دکتر زرین کوب، لذا جنبه‌های دیگر آثار آن زنده‌یاد همچون: «سبک ادبی دکتر زرین کوب» و «الهیات در آثار دکتر زرین کوب» و مقولاتی چون عرفان، تصوف، شعر، ادبیات و نظایر آن در اندیشه و آثار دکتر زرین کوب مورد نظر نمی‌باشد. همچنین شایان تأکید است که در این نوشتار، هدف صریحاً شناخت تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب است، زیرا تجلیل و قدرشناسی و قدردانی از او در زمان حیاتش نیز به عمل آمد و دانشمندان و فرهیختگان این مرز و بوم باتقدیم ارمانی برای زرین کوب و همچنین یادگارنامه دکتر زرین کوب زحمات و خدمات آن زنده‌یاد را پاس داشته و بدینگونه به جایگاه علمی آن مرحوم ارج نهاده‌اند.

تاریخ‌نگاری که همانند خود تاریخ با فراز و نشیب‌های بسیار همراه بوده به صورت‌های مختلف: فرمایشی، سلطنتی، سلسله‌ای و نظایر آن بروز نموده، موضوعات گوناگونی را تحت پوشش خود قرار داده و با بیان گذشته، آینده‌ای نیک را نشان کرده است تا ویژگی «عبرت‌انگیزی» تاریخ را ظاهر نماید. ولی تاریخ‌نگاری ایران همیشه و شاید در همه حال، حالتی یکنواخت و یک شکل داشته و با همین حالت تکراری، دچار نوساناتی شده است. این حالت یکنواخت تاریخ‌نگاری که شکلی «نقلی» (Synthetic) داشته و تا دوران معاصر نیز تداوم یافته است.

در دوران معاصر به دلیل تأثیر تاریخ‌نگاری پیشرفته اروپاییان، تاریخ‌نگاری ایران نیز به تحرک درآمده خود را، از آن حالت یکنواخت و همیشگی بیرون آورد و به صورت «تحلیلی» (Analytical) ظاهر نمود و البته در این مسیر پر پیچ و خم «مردان تاریخ ساز» و نقش تاریخی آنان اهمیت وافری داشته و دارند، مردانی که قهرمان وار در عرصه تاریخ‌نگاری حرف‌هایی نو زدند و از این طریق خدماتی شایان به این سرزمین نمودند. یکی از این چهره‌های علم و ادب که همانند ستاره پرفروغی در آسمان تاریخ‌نگاری خوش درخشید، کسی است که تاریخ را به ترازو کشید و تاریخ مردم ایران را نوشت، کارنامه‌ای برای اسلام صادر نمود، تا هرچه بیشتر نقاط تاریخ این مرزوبوم را روشن‌تر نموده و تاریخی مردمی‌تر، عرضه نماید. آن شخص کسی نیست جز دکتر عبدالحسین زرین کوب که در عرصه‌های مختلف ادبیات، تاریخ، عرفان، تصوف... محقق تمام عیار بود، لیکن در این مجال فقط



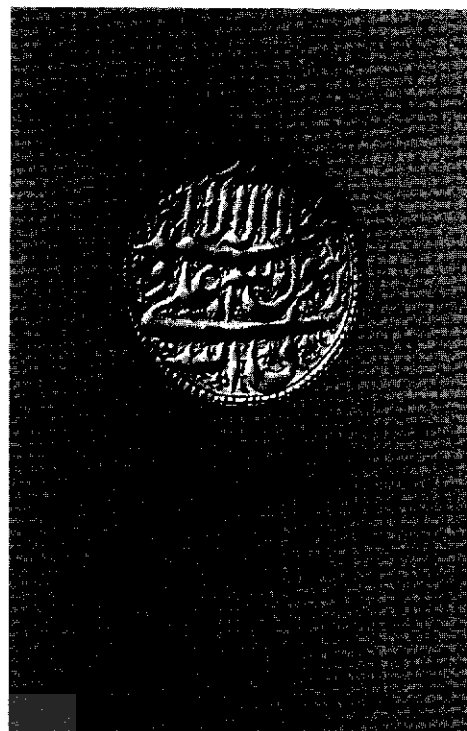
مقدمه:

هنری و ادبی آئینه تمام نمای وقایع یک جامعه بدانیم، به ارزش‌های نهانی آن پی خواهیم برد و البته این امر به نوبه خود دشواری و سختی این فن را نیز می‌رساند که در قرون اخیر این دشواری به دلیل گستردگی و پیچیدگی آن، دو چندان شده است. این گستردگی و پیچیدگی نیز باعث قاعده‌بندی تاریخ‌نگاری گردیده و موجبات ظهور مکاتب تاریخ‌نگاری مختلفی را فراهم آورده است. بدینگونه بود که عدالت، تسامح و بی‌غرضی، ذوق و سلیقه از ویژگی‌های اولیه تاریخ‌نگاری گردید چون اخلاقیات نیز وارد قلمرو تاریخ‌نگاری شد.

مطلبی که در این بین فریاد می‌آید این که

مقوله تاریخ و تاریخ‌نگاری که اهمیت اجتناب‌ناپذیری در زندگی اجتماعی مردم دارد از دیرباز مورد توجه عامه و خاصه بوده است بدان علت تاریخ‌نگاری عمری به درازای خود تاریخ دارد، حتی در میان اقوام باستانی نیز به تاریخ‌نگاری (در قالب کتیبه‌ها، الواح و...) بر می‌خوریم که نشانگر صحنه‌ها و لحظات حساس تاریخی می‌باشند و ما را به توجه هرچه بیشتر به شناخت مفهوم «زمان» رهنمون می‌نمایند که در تاریخ‌نگاری نقش اساسی دارد.

اگر «تاریخ‌نگاری» را به دلیل جامعیت و دربرداشتن ابعاد همه جانبه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی،



دکتر زرین کوب را می‌توان «مورخی صاحب سبک» دانست چون وی با تلفیق متون تاریخی و ادبی، معجونی گوارا مهیا نموده، تاریخ‌نگاری را حالتی خاص بخشید و بدین ترتیب نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری ایجاد کرد. تاریخ‌نگاری را از عرصه تاریخ، سیاست و جامعه‌شناسی بیرون آورد و وارد حیطه «ادبیات و نقد ادبی» گردانید، طوری که این مهم را می‌توان «روندی نو» در تاریخ‌نگاری ایران قلمداد نمود.

روش دکتر زرین کوب که برای اولین بار به صورتی مدون در تحقیقات تاریخی به کار رفت او را به حدّ اعلاّی تاریخ‌نگاری ارتقاء داد. پس بدان علت که او شیوه‌ای نو در تاریخ‌نگاری ایجاد نمود، می‌توان از او به‌عنوان بنیانگذار مکتبی خاص نام برد، مکتبی که احتمالاً در آینده به اهتمام و تلاش دانشمندان و پژوهشگران والا مقام، به «سبک دکتر زرین کوب» معروف خواهد گشت. دلیل این مدعا آن که او تاریخ صرف را با تاریخ ادبیات درآمیخته از این جهت وجهه‌ای خاص به تاریخ داد.

جنبه تاریخی آثار او مورد بررسی قرار می‌گیرد.

او را می‌توان «مورخی صاحب سبک» دانست چون وی با تلفیق متون تاریخی و ادبی، معجونی گوارا مهیا نموده تاریخ‌نگاری را حالتی خاص بخشید و بدین ترتیب نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری ایجاد کرد، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری را از عرصه تاریخ، سیاست و جامعه‌شناسی بیرون آورد و وارد حیطه «ادبیات و نقد ادبی» گردانید، طوری که این مهم را می‌توان «روندی نو» در تاریخ‌نگاری ایران قلمداد نمود.

روش دکتر زرین کوب که برای اولین بار به صورتی مدون در تحقیقات تاریخی به کار رفت او را به حدّ اعلاّی تاریخ‌نگاری ارتقاء داد. پس بدان علت که او شیوه‌ای نو در تاریخ‌نگاری ایجاد نمود، می‌توان از او به‌عنوان بنیانگذار مکتبی خاص نام برد، مکتبی که احتمالاً در آینده به اهتمام و تلاش دانشمندان و پژوهشگران والا مقام، به «سبک دکتر زرین کوب» معروف خواهد گشت. دلیل این مدعا آن که او تاریخ صرف را با تاریخ ادبیات درآمیخته از این جهت وجهه‌ای خاص به تاریخ داد.

این بحث را که در بخش بعدی بیشتر بسط خواهیم داد با سوالاتی ادامه می‌دهیم: اگر دکتر زرین کوب، صاحب سبک و بنیانگذار مکتبی خاص می‌باشد آیا با معیارهای تاریخ‌نگاری جهان و مکاتب تاریخ‌نگاری معروف نیز همخوانی داشته است؟ و همچنین، سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب در برخورد با همگامی با مکاتب تاریخ‌نگاری معروف جهان چه جایگاهی را می‌تواند حائز گردد؟

در پاسخ سوالات فوق و سنجیدن جایگاه علمی تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب در اینجا ما به مقایسه این نوع تاریخ‌نگاری با مکاتب تاریخ‌نگاری جهان می‌پردازیم و این کار را با مکتب «پوزیتویسم» آغاز می‌کنیم. در این مورد باید گفت تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب با «مکتب پوزیتویسم» (Positivism) از جهتی مطابقت دارد و از جهتی خیر. تکیه مکتب یاد شده بر جنبه اثباتی و استنادی بودن تاریخ است که در آثار دکتر زرین کوب نیز دیده می‌شود، پس از این لحاظ آن دو با هم مطابقت دارند ولی از آنجایی که دکتر زرین کوب در برخی موارد در ارائه اخبار تاریخی به منبع یا ماخذی استناد نمی‌کند، این مسئله را می‌توان فصل‌جدایی آنها دانست.

در مقایسه با «مکتب رانکه» نیز باید گفت، سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب با «مکتب رانکه» (Ranke) که در تاریخ‌نگاری آلمان تحولی ایجاد نمود، سنخیتی ندارد، البته این مکتب آلمانی نیز که خود از سوی مورخین بزرگ مورد سؤال و اشکال قرار گرفته صرفاً به وقایع رخ‌داده تاریخی معتقد است و به اسطوره و افسانه بهایی نمی‌دهد، درحالی که، دکتر زرین کوب به اسطوره و افسانه معتقد بوده، و نقش و اهمیت زیادی به آن قائل بود. بنابراین، در مقایسه، باتوجه به منزلت بودن جایگاه مکتب رانکه، می‌توان سبک دکتر زرین کوب را معتبر دانست. و اما تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب در مقایسه با «مکتب آنال» (Annales) که بهترین نوع

تاریخ‌نگاری فرانسه و جهان می‌باشد. در این مقایسه باید گفت که آن دو مطابقتی نسبی دارند چون مکتب آنال، تاریخ را با علوم دیگر مانند روانشناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی مرتبط می‌داند، دکتر زرین کوب نیز در سبک خود از این ویژگی برخوردار است اما در عمق قضایا و تحلیل پدیده‌های تاریخی هرچند تاریخ را با جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبیات، سیاست و مقولاتی از این دست مرتبط می‌داند اما وارد حوزه‌های روانشناسی و اقتصاد نمی‌شود، بنابراین در اینجا نیز با تشابه و تطبیقی نسبی مواجه هستیم، به این ترتیب در جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان گفت، سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب در قیاس با مکاتب تاریخ‌نگاری یاد شده، نسبتاً تطابق و همگامی دارد.

مشخصات عمده تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب

از آنجایی که هر مکتب و سبکی برای خود مشخصات، علایم یا ویژگی‌هایی دارد، دکتر زرین کوب و سبک تاریخ‌نگاری او نیز از مشخصات ویژه‌ای برخوردار است، که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) اجمالی بودن: با نگاهی به آثار دکتر زرین کوب متوجه می‌شویم که آثار او در قالب کلیات یا عمومی نوشته شده است و در عین حال آثاری اجمالی می‌باشند نه تفصیلی. البته این کلی‌نگری و گزیده‌گویی به نوبه خود هنری است که در کمتر کسی می‌توان سراغ گرفت، کتاب‌های تاریخ مردم ایران (ج ۱ و ۲) و تاریخ ایران بعد از اسلام چنین صورتی دارند و در این مورد باید گفت:

این روش از نظر علمی عطف پژوهشگر و یا خواننده حرفه‌ای تاریخ را رفع نمی‌نماید چون تاریخ، علمی جزئی است و لازم است به جزئیات مباحث آن بیشتر و بیشتر پرداخته شود.

۲) دوران باستان و میانی، قلمرو تحقیق دکتر زرین کوب: اگر جلد سوم وزگاران (روزگاران دیگر: از صفویه تا عصر حاضر) را مستثنی بدانیم، تمام آثار تاریخی دکتر زرین کوب مربوط به دوران باستان و دوران میانی تاریخ ایران می‌شود.

۳) تشریح و روان: شاید این ویژگی مهم‌ترین خصوصیت تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب باشد، چون با این هنر است که او به فراز و نشیب‌های تاریخی معنا داده، خواننده را با خود همراه می‌نماید، به طوری که هیچگونه ملالی به خواننده دست نمی‌دهد به جرأت می‌توان گفت این هنر دکتر زرین کوب بر تعداد خوانندگان آثار تاریخی افزوده است و بدین لحاظ او حق بزرگی به گردن تاریخ و تاریخ‌نگاری ایران دارد.

۴) انسان دوستی: دکتر زرین کوب در آثار خود به اصالت انسان توجه خاصی دارد. مثلاً در کتاب نه شرقی، نه غربی، انسانی واژه «انسانی» که یادآور انسان محوری عصر رنسانس (Humanism) می‌باشد، به نقش والا و سازنده انسان در عرصه اجتماع اشاره دارد. با این توضیح، آیا می‌توان دکتر زرین کوب و سبک تاریخ‌نگاری او را از نوع رنسانسی دانست؟ در جواب این سؤال باید



در چاپ‌های بعدی اثر منتفی گشته ادعای آن افراد نیز بی‌اساس می‌نماید.

۱۰) برخورداری از تفکری انتقادی و دیدگاهی فلسفی: این ویژگی یکی از نقاط قوت تاریخ‌نگاری دکتر زرین‌کوب می‌باشد که او را در تجزیه و تحلیل قضایا و پدیده‌های تاریخی یاری نموده است. همانا این امر بود که آن زنده یاد را به یک نتیجه‌گیری منطقی و مفید رهنمون می‌کرد تا «تأویلی صحیح» ارائه نماید. این اصل را که با دیدگاه هرمنوتیک (Hermeneutic) سنخیت دارد به وضوح تمام در کتاب تاریخ در ترازو می‌توان دید، به طوری که این اثر را می‌توان «فلسفه تاریخ دکتر زرین‌کوب» نامید.

۱۱) تلفیق تاریخ با علوم دیگر: تلفیق تاریخ با حوزه‌های دیگر دانش مانند جامعه‌شناسی، سیاست، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و... که ره‌آورد مکتب آنال فرانسه می‌باشد در آثار دکتر زرین‌کوب نیز جایگاه ویژه‌ای را حائز گشته است، زیرا آن زنده‌یاد نیز تاریخ را با ادبیات، سیاست، جامعه‌شناسی، مذهب و... مرتبط و مختلط می‌دانست. این ویژگی که جامعیت تفکر تاریخی را می‌رساند دکتر زرین‌کوب را به قله رفیع علم و ادب کشانده و از او «مورخ صاحب سبک» ساخته است. بنابراین شاید بتوان گفت دکتر زرین‌کوب، مورخی از نوع «آنالیتیک (Analytic)» می‌باشد چون به «تاریخ ترکیبی یا تحلیلی» روی آورده است.

۱۲) توجه به اخلاقیات: در تاریخ‌نگاری دکتر زرین‌کوب به «اخلاقیات» توجهی خاص می‌توان یافت. زیرا استاد همیشه و در همه آثار خود به نحوی اعلام می‌دارد که تاریخ‌نگاری باید به دور از هر تعصبی بوده و «سماح و تساهل» را مدنظر قرار دهد. او «انسائیت» و «وجدان پاک» را لازمه تاریخ‌نگاری می‌دانست، بدینگونه بود که علم و اخلاق را به هم پیوند زد و مقوله مهمی را پیش کشید و با این کار در واقع بر خصیصه «رعایت انصاف» از سوی مورخین تأکید نمود. این امر که در کارنامه اسلام، تاریخ در ترازو، نه شرقی، نه غربی، انسانی و سایر آثار زنده‌یاد به وضوح دیده می‌شود دست ردی است بر سینه تاریخ‌نویسان متعصب.

۱۳) تاریخ‌نگاری مقدس: سخن گفتن از این مقوله تا حدی مشکل و پیچیده است، زیرا آثار دکتر زرین‌کوب در این باره (کارنامه اسلام، بامداد اسلام) در قالبی کلی یا عمومی نوشته شده‌اند. ولی این آثار به دلیل ارائه مسایل تمدنی و فرهنگی فقط می‌توانند جلوه‌ای از «هاژیوگرافی» قلمداد گردند. هرچند که نمونه‌ی اعلامی این‌گونه تاریخ‌نگاری نیز حتماً و حتماً باید توسط شخصی همانند دکتر زرین‌کوب به زور طبع آراسته گردند، پس می‌توان گفت که هاژیوگرافی دکتر زرین‌کوب در «اسلام‌شناسی» نهفته است و بدان نیز خلاصه می‌گردد.

۱۴) توپولوژی تاریخی: «توپولوژی (Topology)» به معنای «مکان‌شناسی» در تاریخ و تاریخ‌نگاری جایگاه ویژه‌ای دارد، به ویژه متون جغرافیای تاریخی به این دانش کاملاً وابسته‌اند. این مقوله که برای تداعی معانی کاربردی خاص دارد مورد توجه دکتر زرین‌کوب نیز بوده و آن را مثلاً

گفت: از آنجایی که مردم به عنوان اجتماع هیچ گاه و یا کمتر در عرصه تاریخ مطرح بوده‌اند و از طرفی چون دکتر زرین‌کوب به انسان اصالت داده و موقعیت او را در عرصه جامعه بازیابی می‌کند و محور جامعه را به انسان اختصاص می‌دهد پس می‌توان او را مورخی رنسانسی دانست و لاجرم سبک تاریخ‌نگاری او نیز می‌تواند سبکی رنسانسی قلمداد گردد.

۵) توجه خاص به ادبیات: بهترین و مهم‌ترین ویژگی بارز سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین‌کوب همین خصوصیت است، به گونه‌ای که از نگاه دکتر زرین‌کوب، تاریخ، بدون ادبیات، پرنده‌ای شکسته پر را می‌ماند که توان پرواز در آسمان تحقیق و تفحص را نداشته و جز حسرت، توشه‌ای ندارد، بنابراین برای جان گرفتن و پرواز این شکسته پر، باید ادبیات به کار آید.

بدین جهت، ادبیات در تاریخ‌نگاری دکتر زرین‌کوب جایگاه ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، پیرامون اهمیت ادبیات در تاریخ‌نگاری باید به این امر توجه کرد که گاهی تاریخ‌نگاری در طول تاریخ «فرمایشی» بوده است پس می‌توانسته حقایق و وقایعی از قلم مورخین فرمایشی افتاده باشد، در این میان شعرای واقع‌بین و ظریف می‌توانستند در لابلای اشعار خود به اوضاع اجتماعی اشاره کنند و نقص فنی مورخین را برطرف نمایند البته عکس این سخن نیز بعضاً صدق می‌کند. در این بین وظیفه ما چیست؟ در کوتاه‌ترین جواب باید بگوییم که تلفیق تاریخ و ادبیات و سپس نتیجه‌گیری منطقی از آن، بهترین راه علمی در این مورد است، یعنی همان کاری که دکتر زرین‌کوب در آثار خود انجام داده است.

۶) توجه به اساطیر: مرحوم زرین‌کوب که اسطوره را آمیخته در تاریخ می‌دانست معتقد بود که: «در تاریخ بر باورهای تکیه داریم که باورشان نداریم.» البته هرچند استاد به جایگاه والای اساطیر در تاریخ باستان معتقد بود و آن را در تاریخ مردم ایران (ج ۱) نمایانده است ولی قبول اساطیر را در تاریخ، مشروط و نسبی می‌داند.

۷) تنوع منابع: «تنوع زبانی منابع» و «تنوع علمی - کیفی منابع» یکی از بزرگترین امتیازات تاریخ‌نگاری دکتر زرین‌کوب می‌باشد، که استفاده از متن‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عربی، روسی، اوستایی و پهلوی، ایتالیایی، هلندی و حتی زبان‌های دیگر، آثار ایشان را بیش از پیش ارزشمند نموده و جایگاه رفیعی بدان‌ها بخشیده است.

۸) پرهیز از تاریخ‌نگاری سطحی: «تاریخ‌نویسی با چسب و قیچی» اصطلاحی بود که آن زنده‌یاد برای «مورخ نماها» به کار می‌برد، بدین‌گونه او ضمن بی‌ارزش شمردن این‌گونه تاریخ‌نگاری، مورخ و مورخ‌نماها را از امور غیراخلاقی در حیطة علم و ادب بر حذر می‌دارد.

۹) روحیه آزادگی: منظور از این امر، آزاداندیشی و رهایی از هر قید نژادی، زبانی، مذهبی و نظایر آن است، در این رابطه هر چند برخی به کتاب دو قرن سکوت او انتقاداتی وارد دانسته‌اند ولی این امر نیز با افزوده شدن بخش «عترافات»

این نوشتار مروری است بر دیدگاه‌های تاریخی دکتر زرین‌کوب، لذا جنبه‌های دیگر آثار آن زنده‌یاد، همچون سبک ادبی دکتر زرین‌کوب و الهیات در آثار دکتر زرین‌کوب و مقالاتی چون عرفان، تصوف، شعر، ادبیات و نظایر آن در اندیشه و آثار دکتر زرین‌کوب مورد نظر نمی‌باشد

بدان علت که او شیوه‌ای نو در تاریخ‌نگاری ایجاد نمود می‌توان از او به عنوان بنیانگذار مکتبی خاص نام برد

از جمله ویژگی‌هایی که در آثار دکتر زرین کوب می‌توان مشاهده نمود عبارتند از: «جمالی بودن»، «دوران باستان و میانی، قلمرو تحقیق دکتر زرین کوب»، «نثر سلیس و روان»، «انسان دوستی»، «توجه خاص به ادبیات»، «توجه به اساطیر»، «تنوع منابع»، «پرهیز از تاریخ نگاری سطحی»، «روحیه آزادی»، «برخورداری از تفکری انتقادی و دیدگاهی فلسفی»، «تلفیق تاریخ با علوم دیگر»، «توجه به اخلاقیات»، «تاریخ نگاری مقدس»، «توپولوژی تاریخی»، «استفاده از اعلام و علائم خاص»، «ارایه گزیده کتابشناسی»، «به روز بودن»، «توجه به منابع مادی»، «اعتقاد به نظریه همدلی دیلتای»

در مقاله آن مرحوم در تاریخ ایران کمبریج (ج ۴) می‌توان دید، یکی از بخش‌های مقاله دکتر زرین کوب در این اثر، «از حیره تا بصره» نام دارد که این عنوان مفهوم توپولوژی تاریخی را تداعی می‌کند با این توضیح که «حیره» نقطه آغازین حمله اعراب به ایران و «بصره» محل وقوع جنگ قادسیه است، پس در این بخش دکتر زرین کوب ضمن اشاره به «مکان تاریخی» و وقایع مربوط به آن «مکان» را مورد بررسی قرار داده و با این بیان خواننده را به عمق قضایای تاریخی رهنمون گشته است. این روش توپولوژی تاریخی همانا نمایشی است ظریف از تاریخ‌نگاری مدرن که به نحوی مفید از سوی دکتر زرین کوب به کار گرفته شده است.

در تاریخ ایران بعد از اسلام و سایر آثار دکتر زرین کوب نیز این مقوله کاملاً به چشم می‌خورد.

۵) استفاده از اعلام و علائم خاص: درباره این بحث به موردی ویژه برمی‌خوریم و آن فهرست راهنمای منحصر به فردی است که در تاریخ مردم ایران (ج ۲) مورد استفاده قرار گرفته، روش کار دکتر زرین کوب در این فهرست از این قرار است که در مقابل هر عنوانی، تعریفی از همان عنوان با ذکر صفحه آورده تا خواننده را به مطالعه موردی رهنمون گردد. این شیوه که امر تحقیق را سرعت می‌بخشد، کمک بزرگی به خواننده و یا محقق می‌باشد، تا در کمترین زمان به موضوع مورد نظر دسترسی پیدا کند. به عنوان مثال در کتاب مذکور، در مقابل عنوان «آل بویه»، این عناوین مشاهده می‌شود: تشکیل دولت، القابشان، عمادالدوله، رکن‌الدوله، معزالدوله، وضعیت سپاه و وزراء آل بویه، علاقه به آبادانی و شهرسازی

و ابنیه، فاصله طبقاتی و... در این شیوه خواننده امکان جستجو و یافتن مطالب را پیدا می‌کند به گونه‌ای که با انتخاب یک عنوان موضوعی به «داده‌های تاریخی» دسترسی پیدا کند. این ویژگی که نشانگر همگامی دکتر زرین کوب با پیشرفت‌های علمی روز است می‌تواند بسیار مهم و به عنوان الگو مورد استفاده قرار گیرد.

۱۶) ارائه گزیده کتابشناسی: دکتر زرین کوب در برخی مواقع به جای «کتاب‌شناسی»، «گزیده کتابشناسی» ارائه می‌نماید این امر که به نفس «روش غیرعلمی» محسوب می‌گردد، می‌تواند از طرفی دیگر «روشی اخلاقی» نیز تلقی گردد و شاید این امر به طبع متواضع و فروتن دکتر زرین کوب بر می‌گردد که علاوه بر کتب مورد استناد، خواننده را به منابع دیگری نیز که در آن حیطه موضوعی وجود دارد، ارجاع می‌دهد. شاید هم با این عمل، تحقیق و تألیف خود را «ناکامل» معرفی کرده و جای تحقیقات بعدی را در این باره باز می‌گذارد. علی‌احمال، این مسأله که در باعداد اسلام دیده می‌شود می‌تواند از نگاه علمی تاریخ، ایراداتی را بر تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب وارد آورد.

۱۷) به روز بودن: یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب، روش علمی به روز و به هنگام می‌باشد که در آن ضمن ارائه اطلاعات تاریخی زمان‌های دور و دراز، آن بحث را به زمان معاصر ارتباط می‌دهد. بدین ترتیب، با ایجاد حلقه اتصال بین گذشته و حال به مقایسه دوره‌های تاریخی می‌پردازد و علاوه بر نتیجه‌گیری مفیدی که از آن استخراج می‌کند، کمک بزرگی نیز به خواننده می‌نماید تا در جمع‌بندی نهایی موفق‌تر باشد و دیدگاهی منطقی و جامع پیدا کند. این روش که در کارنامه اسلام استعمال گشته یکی از شگردهای علمی بزرگان علم و ادب می‌باشد که دکتر زرین کوب نیز با این عمل خود را در آن جرگه قرار داده و گامی فراتر برداشته است.

۱۸) توجه به منابع مادی: این امر که یکی از مسایل مهم تاریخ‌نگاری معاصر می‌باشد در تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب نیز مطرح بوده است، در این امر که استفاده و یا توجه به «مهر، سکه، لوح و نظایر آن» مدنظر می‌باشد مورخ تلاش می‌کند تا اخبار و وقایع تاریخی را با این منابع مادی هرچه بیشتر غنی بخشد و دکتر زرین کوب نیز که در تاریخ مردم ایران (ج ۱) این اصل را به نحوی مفید به کار گرفته، با این کار خود خدمتی شایان به تاریخ و تاریخ‌نگاری نموده است.

۱۹) اعتقاد به نظریه همدلی دیلتای: ویلهلم دیلتای (۱۹۱۱ - ۱۸۳۳ م.) که «نظریه همدلی» را در فلسفه تاریخ مطرح و جایگاه رفیعی یافته به میزان قابل توجهی در تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب تأثیر داشت مثلاً آن مرحوم در تاریخ در ترازو معتقد است که تماشای یک گورستان مایه الهام مورخ می‌باشد، یعنی اینکه با تماشای موردی خاص به تجزیه و تحلیل آن پرداخته به عمق قضایای پی می‌برد و در تحلیل پدیده‌های تاریخی، خود را با واقعه یا حادثه خاص تاریخی، همدل می‌نماید و به نتیجه‌ای معقول می‌رسد و

بدینگونه است که می‌توان ادعا کرد دکتر زرین کوب به نظریه دیلتای پر و بال داده است.

نتیجه: در بخش پایانی این نوشتار، به حرف خود که دکتر زرین کوب را «مورخی صاحب سبک» دانسته‌ام کاملاً پای می‌فشارم و در ادامه این سخن اضافه می‌کنم که دکتر زرین کوب مورخی کلی نگر است. با مراجعه به آثارش تاریخ مردم ایران (ج ۱ و ۲)، تاریخ ایران بعد از اسلام، دو قرن سکوت، بامداد اسلام، تاریخ در ترازو، کارنامه اسلام، روزگاران ایران می‌توان به این حقیقت پی برد، تألیف تواریخ سلسله‌ای و دیگر قوالب تاریخی هیچگاه مطمح نظر دکتر نبوده است، او که با چنین دیدگاهی به تاریخ‌نگاری روی آورده و از محاسنی همچون نقد عقلائیة اطلاعات یا داده‌های تاریخی احاطه بر ادبیات تاریخی، درک مفاهیم سیاسی حکومتی و اجتماعی و تسلط بر زبان‌های زنده جهان برخوردار است، می‌توان گفت با این امتیازات معایب جزئی این شخص والا مقام خیلی کم‌رنگ و یا حتی بیرنگ شده است، همانطوری که قبلاً گفتیم تنها ایرادی که بر سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب وارد است از جانب مکتب یوزیتوسیم، در مورد عدم استناد اخبار تاریخی (در برخی موارد) می‌باشد. لیکن در یک جمع‌بندی نهایی باید گفت که سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب هرچند در دوران حیات بانی خود خوش درخشید ولی آینده درخشانی برای آن پیش‌بینی می‌شود چون آن سبک شیوه‌ای است احیاءگر ادوار گذشته تاریخی با روش و متدی فعلی، که می‌تواند جلوه دیگری از رنسانسی بودن شخصیت علمی و آثار دکتر زرین کوب باشد.

بدینگونه می‌توانیم ادعا کنیم که آن زنده‌یاد، در تاریخ‌نگاری ایران یک «نابغه» بوده است ولی از طرفی شاید قضاوت ما به نظر برخی افراد «ظریف» یک طرفه و یا گزافه‌گویی تعبیر شده مرده‌پرستی معنا گردد اما خود این امر، سؤالی را پیش می‌کشد: حق دکتر زرین کوب که سالیان سال خدمات شایانی به تاریخ و تاریخ‌نگاری این مرز و بوم نموده، به راستی چیست و چه می‌تواند باشد؟ جواب این سؤال، احتیاج به ذهن پویایی ندارد چون «آفتاب آمد دلیل آفتاب» پس ضمن ارج نهادن به خدمات آن مرحوم، همورا باید در عرصه تاریخ‌نگاری ایران شخص جاوید اثر دانست، زیرا، هرچند به پایان آمد دفتر دکتر زرین کوب ولی حکایت او همچنان باقی خواهد ماند از برای اینکه ایشان حق زیادی برگردن تاریخ و تاریخ‌نگاری ایران داشته و دارد که امیواریم حق این همه خدمت و عقل پاشی و فیض رانی و جانفشانی توسط پژوهشگران و دانشمندان والا مقام ادا گردد تا جایگاه علمی دکتر زرین کوب در تاریخ ماندگار گشته و تاریخی ماندگار داشته باشد.